

مروری بر سیر تاریخی تدوین کتب اعجاز قرآن کریم

یوسف فرجی^۱

رقیه رحمانی نودوزقی^۲

چکیده

در فرهنگ اسلامی انگاره اعجاز قرآن، ابتدا در محافل کلامی شکل گرفت و سپس وارد حوزه مباحث علوم قرآنی شد. از این رو در طول سده‌های اسلامی عالمان این دو حوزه به بحث و بررسی در اعجاز قرآن پرداخته و کتب متعددی را درباره ابعاد مسئله اعجاز قرآن به رشته تحریر درآورده‌اند. هدف این نوشتار مروری بر سیر تاریخی تدوین این کتب و تبیین فراز و فرودهای سیر این تدوین است. در اهمیت و ضرورت بررسی سیر تاریخی تدوین کتب اعجاز، همین بس که، انجام هر گونه تحقیق و پژوهشی در حوزه اعجاز قرآن مترتب بر شناخت و آگاهی کامل از سیر تاریخی و نقاط عطف و شناخت منابع مهم و اثرگذار در این حوزه است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی کوشیده سیر تدوین کتب را مورد بررسی قرار دهد. تالیف در باره اعجاز قرآن، به صورت علمی مدون در قرن سوم هجری به وقوع پیوست. تدوین کتب اعجاز در قرون چهار تا پنج به علت شرایط سیاسی و فرهنگی، به وجود آمدن و رویارویی فرقه‌های مختلف و توان مندی دولت اسلامی، به اوج خود رسید. از قرن هفت به بعد با حمله مغول‌ها و شرایط نابسامان، تدوین کتب به دوران افول و ایستایی خود رسید. در سده‌های دهم تا سیزدهم، به علت رواج بحث درباره حجیت ظواهر کلام خدا و مسئله تحریف، تدوین کتب در باب اعجاز کاهش داشت. در تمام این دوران، گفتمان غالب، وجه اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن بود. با شروع سده چهارده و با توجه به پیشرفت علوم در مغرب زمین رویکرد علمی اعجاز علمی گسترده‌تر شد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، سیر تاریخی، اعجاز، فصاحت و بلاغت.

۱. استادیار تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه پیام نور، گروه معارف، میاندوآب، ایران. Email: Yosef.faraji@yahoo.com.

۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

۱. مقدمه

در طول تاریخ بشریت خداوند متعال بعد از این که شخص یا اشخاصی را برای هدایت و راهنمایی قومی به عنوان پیامبر خود می‌فرستاد آن قوم از شخص مدعی درخواست معجزه برای اثبات پیامبری خود می‌کردند و این معجزات غالباً در راستای علوم و فنونی که در آن زمان، از لحاظ رشد، در اوج کمال بوده؛ فرستاده شده است. در زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نیز هنرهای زبانی و بیانی در بین مردم شبه جزیره رواج گسترده‌ای داشته، خداوند متعال قرآن را به عنوان نشانه پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای بشریت نازل کرد.

در فرهنگ اسلامی یکی از مباحثی که درباره این نشانه الهی (قرآن کریم) شکل گرفته و از ادبیات قابل توجهی برخوردار است، مبحث اعجاز و معجزه بودن این کتاب الهی است. معجزه در لغت به معنای عجز و ناتوانی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۳۷۲)، و در اصطلاح عملی خارق العاده که همراه با تحدی است و نظیر و ماندنی بر آن وجود ندارد. (سیوطی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۳). از طرف دیگر اعجاز قرآن کریم از مباحث مهم و پایه‌ای در علوم قرآنی است در طول تاریخ اسلامی، معجزه بودن آن همیشه مورد قبول غالب دانش مندان اسلامی بوده و از این رو بیش تر مباحث اندیش مندان اسلامی درباره ابعاد و گستره اعجاز آن مطرح شده است. در سده‌های معاصر با ورود مستشرقین و به تبع آن برخی تحقیقات محققان مسلمان، این بحث مطرح شده است که بحث معجزه بودن قرآن کریم قبل از سده سوم مطرح نبوده و بنا به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این بحث از سده سوم در بین جامعه علمی کم کم شکل گرفته است (ن. ک: مارتین، ۱۳۸۷ش: صص ۷۰ و ۹۰؛ آقایی، کریمی‌نیا، ۱۳۹۲ش: سراسراثر) از آن جا که شناخت کتب در زمینه هر علمی و دانستن سیر تاریخی آن علم در انجام پژوهش‌ها و تحقیقات، امری بسیار ضروری و مهم است به همین دلیل این نوشتار بر آن است تا زمان شروع تدوین کتب اعجاز را یافته و به بررسی تغییرات و پیشرفت این علم در ۱۳ قرن گذشته بپردازد. در راستای مسئله، این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است: اعجاز قرآن در کدام قرن به صورت علمی مدون، تدوین شد؟ در هر قرنی بیش تر چه موضوعاتی مطرح بوده؟ در کدام قرون پیشرفت یا توقف داشته است؟

در این زمینه علاوه بر منابعی که گذشت، کتاب‌های ارزش مندی از جمله کتاب سیر نگارش‌های علوم قرآنی، تالیف محمد علی مهدوی‌راد، به رشته تحریر در آمده؛ غالب این نوشته‌ها به صورت تاریخی و توصیفی بوده و به تحلیل محتوایی پرداخته نشده؛ این نوشتار با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-تاریخی نگاشته شده است و در صدد یافتن موضوعات بحث شده در زمینه اعجاز در طول تاریخ و شناخت فعالان، نویسندگان و هم‌چنین ویژگی کتاب‌های آن‌ها

جهت پی بردن به وجه غالب در هر دوره، برآمده است.

۲. یافته‌ها و بحث

۱-۲. سیر تاریخی تدوین کتب اعجاز

برخی محققان، تاریخ پرفراز و نشیب علوم قرآنی را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: ۱. تمهید و آماده‌سازی (دوره نانوشته) ۲. پیدایش تک نگاره‌های علوم قرآنی (دوره نوشته شده بدون عنوان علوم قرآنی) ۳. دوره تدوین کتاب‌های جامع (دوره نوشته شده با عنوان علوم قرآن) تقسیم نمود. دوره نخست با نزول قرآن شروع می‌شود و با قرائت، نگارش و تفسیر آن ادامه می‌یابد. دوره دوم را تا اوایل قرن هفتم دانسته‌اند ولی بنا به گفته زرقانی، باید این دوره را به قرن دوم تا اوایل قرن پنجم محدود دانست (زرقانی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۹). با الهام‌گیری از این تقسیم‌بندی و در نظر داشتن برخی ملاحظات ویژه بحث اعجاز، می‌توان تدوین کتاب‌های اختصاصی اعجاز را در چهار دوره تقسیم‌بندی کرد.

۲-۲. زمینه‌های شکل‌گیری بحث اعجاز

پس از فتوحات مسلمانان در زمان خلفای اول، دوم و سوم و به دنبال امتزاج مسلمین با بلاد مختلف، مسلمانان در صدد برآمدند تا به‌گونه نظری و با استمداد از آیات قرآنی، از اسلام دفاع کنند، به‌ویژه آنکه سرزمین‌های فتح شده دارای ادیان مختلفی بود و مناقشات دینی نیز در آن جا سابقه داشت. یکی از مصادیق این دفاع نظری، دفاع منطقی و عقلانی از مسئله نبوت بود، به‌ویژه آن‌که از اهم مسائل مورد مناقشه ارباب ادیان با مسلمین، همین موضوع و موضوع تحدی قرآن با مخاطبان خودش بود. نهضت علمی در دو شهر بصره و کوفه و اختلافاتی که در آرای لغوی و نحوی در اواخر آن به‌وجود آمد، مسئله فوق را جدی‌تر کرد. آزادی رأی در زمان خلفای راشدین و امویین محدود بود. ولی می‌توان گفت در اواخر دوران بنی‌امیه، اندکی زمینه آزادی فراهم آمد. براساس چنین بستری بود که از بحث‌های آزاد در چنین سده‌ای سخن به میان آمده است (حمصی، ۱۴۰۰ق: ص ۳۶).

بعد از دوره امویان و با پیدایی عباسیان و ظهور نهضت ترجمه و جنبشی که در آن، آثار علمی و تمدن‌های غیرعربی به عالم اسلام در قالب ترجمه انتقال یافت، وضعیت کاملاً دگرگون شد (قاسم‌پور، ۱۳۹۰ش: ص ۴۴). جرجی زیدان معتقد است در عصر مأمون بازار کاغذ سازان و کتاب فروشان در بغداد رونق داشت، مجالس ادب و مناظره علمی رواج یافت و توجه مردم به تحقیق و مطالعه فزونی گرفت (زیدان، ۱۳۷۲ق: ص ۱۶۱).

در این دوره که از نیمه سده دوم هجری آغاز شد، دستگاه فکری و مبانی نظری مسلمانان را دست خوش دگرگونی‌هایی از لحاظ معناشناختی و روش‌شناسی کرد، تاثیر این دگرگونی به‌گونه‌ای بود که از میان نویسندگان و شاعران در نیمه دوم سده دوم، کسانی برخاستند که ادعای هم‌وردی با قرآن را در سر می‌پروراندند. و باب انتقاد بر قرآن گشودند ولی بحث و سخن در مورد اعجاز به مثابه دانشی از دانش‌های قرآنی (علوم قرآنی) و در شکل علمی و منظم آن، از ابتدای قرن سوم یا اواخر قرن دوم هجری شروع شد (قاسم‌پور، همان، ص ۴۹).

۲-۳. سیر دوران گسترش و طلایی تدوین کتب اعجاز (قرن ۳-۵)

۲-۳-۱. قرن سوم: سده‌های دوم و سوم را می‌توان قرن تک‌نگاره‌های علوم قرآنی دانست در این دوره به برکت هم‌زمانی با حیات پربرکت اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه در دوران امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام، حوزه‌های علمی فرهنگی دینی رونق فزونی یافت و شخصیت‌های علمی بسیاری پدیدار شد. از این رو تعداد زیادی از اصحاب و شاگردان خاص ائمه، تألیفاتی در زمینه‌های گوناگون علوم دینی از جمله علوم قرآنی داشته‌اند که به دلایل ویژه سیاسی و اجتماعی آنان، متأسفانه بسیاری از این آثار به‌جا نمانده است (دیاری، ۱۳۸۷، ص: ۱).

به گفته حمصی بیش‌ترین نظریات اساسی در زمینه اعجاز در این عصر از سوی متکلمین و معتزله صورت گرفته است (حمصی، همان، ص ۵۰). پس از عصر امام صادق علیهم‌السلام و در پی تطور بسیاری از مذاهب کلامی از یک سو و فرصت مغتنمی که از رهگذر نهضت ترجمه متون یونانی و ایرانی به زبان عربی پیش آمد، مباحث فکری و کلامی در میان متفکران ریشه دواند. این متفکران در حوزه‌ای که به دین و نبوت مربوط می‌شد، در این عصر به‌وفور سخن‌گفته و آثاری تدوین کرده‌اند. این قبیل آثار کتاب‌هایی بودند که در آن‌ها اعجاز قرآن به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از مباحث نبوت در میان آن‌ها مطرح بوده است. نکته عطف مهم در این دوره، در موضوع اعجاز قرآن نظریه صرفه است (برای ملاحظه معتقدان به این نظریه و مهم‌ترین اقوال و ادله آن‌ها رک: علم الهدی [سید مرتضی]، ۱۳۸۳، صص ۹۳-۱۰۶).

به کتاب‌های معروف در این قرن و ویژگی کلی آن‌ها اشاره می‌شود:

ابواسحاق ابراهیم بن سیار معروف به نظام «کتاب فی القرآن ما هو» (م ۲۲۰ ق. یا ۲۳۱ ق.) (ابن ندیم، ۱۳۶۶ ق: ص ۳۰۰). این کتاب اکنون در دست‌رس نیست لذا راهی جز مراجعه به منابع بعد از آن وجود ندارد. جاحظ و این خیاط معتزلی آورده‌اند که: عقیده نظام این بوده که نظم و چینش قرآن، به خودی خود دلیل و حجت نبوت نیست و مردم قادرند آن را بیاورند (جاحظ، م ۲۰۰۲: ص ۱۶۶؛ خیاط معتزلی، ۱۴۱۳ ق: ص ۲۷) لازم به ذکر است که ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰ ق.)

و شهرستانی آورده‌اند که نظام اعجاز قرآن را از بعد دارا بودن اخبار غیبی و نهان نیز می‌نگریست (اشعری، ۱۴۰۰ق: ص ۲۲۵؛ شهرستانی، ۱۳۶۴ش: صص ۷۰-۷۱).

علی بن ربیع طبری، در «الدین والدولی فی اثبات النبوی النبوی محمد» (زنده قبل از ۲۴۷ق.) فقط اشاراتی به خارق‌العاده بودن بیان قرآن کرده و می‌نویسد: «... من در میان تازیان و غیر تازیان هندی یا رومی، از آن‌گاه که دنیا پدید آمده، صاحب کتابی را نیافته‌ام که در نگاشته‌اش بسان قرآن، توحید و آفرین‌گویی و ستایش‌ایزد، تصدق رسولان و انبیا، برانگیختن به اعمال نیک ماندگار، خواندن به معروف و بازداشتن از منکر، تشویق به بهشت و روی‌گردانی از آتش را، باهم گردآورده باشد. اگر کسی بتواند کتابی با چنین ویژگی و صفتی آورد که نزد قلب‌ها مکانت، بزرگی و دل‌پذیری قرآن را نیز داشته و چون آن همراه با پیروزی، بخت‌یاری و چیرگی بوده و از آن امی مردی باشد که هرگز کتابت و بلاغت نداند، بی‌شک و شبهه از نشانه‌های و معجزات نبوت خواهد بود» (طبری، ۱۳۹۳ق: صص ۹۸ و ۹۹). حمصی درباره طبری می‌نویسد که وی کتابی با عنوان «الاسلوب و البلاغی» داشته و در آن درباره شیوه بیانی قرآنی مطالبی نگاشته است (حمصی، همان، صص ۷ و ۸) ولی با دست‌رس نبودن این کتاب نمی‌توان به روشنی قضاوت کرد با این حال می‌توان گفت از اولین نویسنده‌ها درباره اعجاز قرآن است که مباحث مقدماتی و اولیه و کلی را مطرح کرده است.

۳. ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ (۲۵۵ق)؛ نظم القرآن را ابن ندیم در زمره آثار قرآنی جاحظ ذکر کرده است (ابن ندیم، همان، ص ۴۲) به گفته برخی محققان ظاهراً این کتاب تا عصر باقلانی موجود بوده و بعد از آن مفقود شده است (رضایی کرمانی، ۱۳۹۰ش: ص ۱۸). جاحظ درباره این کتابش در دیگر آثارش می‌نویسد که کتاب خود در نظم قرآن را در ردّ بر کسانی چون نظام نوشته که نظم و چینش قرآن را دلیل و حجت بر نبوت نمی‌پندارند (جاحظ، همان، ص ۱۶۶).

۴. احمد بن داود بن وند دینوری «ابوحنیفه»؛ (۲۸۲ه- ق). نظم القرآن؛ این کتاب اکنون موجود نیست (رضایی کرمانی، همان، ص ۲۰).

از ویژگی‌های کلی کتب این دوره چنین برداشت می‌شود که فصاحت و بلاغت قرآن به عنوان وجوهی از اعجاز امری شناخته‌شده بود و بنابراین فصیح بودن عرب زمان نزول این وجه کاملاً شناخته‌شده بود و لو در این قرن، مخالفتی هم با آن صورت بگیرد. با این وجود این قرن، قرن حاکمیت اعتقاد به نظریه صرفه است.

۲-۳-۲. قرن چهارم: جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام آورده است که امپراطوری بزرگ اسلام در ربع اول قرن چهارم، تقسیم به ممالک اسلامی شد یعنی به چند حکومت کوچک‌تر تقسیم شد (زیدان، ۱۳۷۲ق: ص ۷۳). با این وجود این قرن را، قرن شکوفایی دانش دانسته‌اند در

این قرن، اندیشه‌ها، فکرها در حوزه فرهنگ اسلامی رشد شایسته‌ای داشته و آثار بسیاری در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی نگاشته شده است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴ش: ص ۳۷). این قرن می‌تواند سر آغاز نهضت‌های علمی و ادبی در تاریخ و فرهنگ اسلام و تشیع به‌شمار آورد، مورخان، این عصر را دوران دانشگاه‌ها و مدارس و عصر شکوفایی علم و گسترش فرهنگ و تمدن نام نهادند. در این قرن انشعاب مذاهب و اختلاف آراء و کثرت برخورد اندیشه‌ها و اهل سنت و برخورد میان فقها و صوفیان و ... جریان داشت (دیاری، همان، ص ۱). یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد: این قرن، قرن قیام‌های بسیاری از جمله قیام علویان و شیعیان فاطمی بود که مذهب‌شان بر خلاف خلیفه وقت بود و نزدیک بود از خلافت عزل شود ولی با دادن سمت‌هایی به همان افراد، باعث حفظ حکومتش شد (حسنی، ۱۳۸۷ش: ص ۳۲۲). پس شاید در این قرن به علت این اختلاف‌ها بین مذاهب مختلف، نوشتار و تعداد تدوین‌ها افزوده شده است و به علت پیروزی و غلبه قیام‌های شیعیان، دوره خوبی برای تدوین کتب شیعیان بود.

از جمله کتب معروف این دوره و ویژگی آن‌ها در ذیل بررسی می‌شود:

۱. ابو عبدالله محمد بن یزید بن علی بن حسین واسطی (۳۰۶هـ - ق) *اعجاز القرآن فی نظمه و تالیفه*؛ به گفته رافعی این اثر در دست‌رس عبدالقاهر جرجانی بوده و از آن در آثار خود، اثر پذیرفته است (رافعی، ۱۴۲۱ق: ص ۱۰۷). ولی در عصر حاضر در دست‌رس نیست. همان‌طور که از نام کتاب مشخص است، موضوع آن درباره وجه نظم و فصاحت قرآن است.

۲. ابوالحسن علی بن عیسی رمانی (م ۳۸۶ق). *النکت فی اعجاز القرآن*؛ کتاب *اعجاز القرآن* رمانی، در ضمن کتاب «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» چاپ و منتشر شده است. رمانی در مسئله نظم قرآن، بعد از جاحظ و واسطی سومین گام را برداشته است. وی به هفت وجه اعجاز در این کتاب اشاره کرده است که عبارتند از: عدم معارضه با قرآن با وجود انگیزه ستیزه، عدم معارضه با قرآن با وجود تحدی همگانی آن، صرفه، بلاغت، اخبار راستین از رخدادهای آینده، درهم شکستن عادت‌ها و قالب‌های رایج سخنوری، و همانندی با معجزات دیگر در خرق عادت و عجز مردمان از معارضه. او از وجوه شش‌گانه اعجاز، غیر از بلاغت به‌طور اختصار سخن گفته است. آن‌گاه بلاغت را در ده سر فصل به تفصیل توضیح داده است (رمانی، ۱۹۶۸م: صص ۷۵ و ۱۱۰).

۳. ابو سلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم بن خطاب (۳۱۹هـ - ق) *بیان اعجاز القرآن*؛ این اثر نیز در ضمن کتاب «ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن» چاپ و منتشر شده است. وی اعجاز قرآن را به‌گونه‌ای استوار و منظم و با نقد دیدگاه‌های دیگر عرضه کرده است. نظریه‌های و اخبار از غیب و صرفه را با استدلال به آیات قرآن مورد نقد قرار می‌دهد (خطابی، ۱۹۶۸م: صص ۲۳ و ۲۴) سپس به

تبيين نظريه بلاغت پرداخته و معتقد است لفظ و معنا بر روی هم، با اين شيوه بياني و اسلوب نظم معجزه است (خطابی، همان، ص ۷۰).

در کتاب های این دوره بر نظم و فصاحت قرآن سخن گفته اند و همان نظریه های قرن پیشین مطرح است و نوآوری ای در این قرن به وجود نیامده است ولی بر نظریه صرفه، نقدهایی وارد شده است. ۲-۳-۳. قرن پنجم: در این قرن عباسیان هنوز بر سر کارند. این سده به فراوانی متکلمین و نویسندگان در مسئله اعجاز شهرت یافته است. سزاوار است که در رابطه با این موضوع، این دوره، دوره طلایی نامیده شود. درست در همین دوره بود که عده ای از عالمان در مقام دفاع از بنیان های عقیدتی دین اسلام برآمدند و طرح موضوع مهم اعجاز قرآن هم در همین راستا بود (قاسم پور، همان، ص ۷۸). کتاب های اصولی عالمان شیعه در این دوره است؛ زیرا در کل مباحثی که در کتاب های این دوره مطرح می شود، نظارت بر اصول اهل سنت مشاهده می شود؛ یعنی در هر بحث، نظرگاه های اصولی عالمان سنی مطرح و تحلیل می شود و مورد نقد و نظر قرار می گیرد (علی پور، ۱۳۸۷ ش: ص ۹۰). این مسئله نشان دهنده این است که تدوین کتب، به خصوص کتب شیعه در هر موضوعی رو به فزونی بود و شاید اختلاف بین مذاهب عامل پیشرفت تدوین کتب بود. جرجی زیدان در توصیف این دوران آورده: «این عصر، عصر طلایی اسلام است. حکومت مسلمانان در این قرن، با ثروت، تمدن و سیاست بر قله عظمت خود برافزود و بیش تر علوم اسلامی پختگی و انسجام یافت» آزادی تبادله اندیشه و امکان عرضه افکار و مذاهب مختلف و داشتن کرسی های مذهبی برای هر یک از فرقه های دینی، از مهم ترین ویژگی های این عصر است (جرجی زیدان، ۱۹۲۴ م: ج ۲، ص ۱۷). در این قرن تحت تاثیر عبد القاهر جرجانی، گفتمان نظم و فصاحت خاص قرآن بر سایر نظریات غالب آمد (قاسم پور، همان، ص ۶۷).

از معروف ترین نوشته های این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (۳۲۸-۴۰۳ ه. ق.) اعجاز القرآن؛ این اثر منتشر شده و بسیار با اهمیت بوده، به طوری که همیشه مورد توجه دانش مندان اسلامی بوده و هست (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ ش: ص ۳۱). این کتاب درباره نظم و فصاحت قرآن است و معتقد به اعجاز تا حدی که سوره اعم از سوره کوتاه یا بلند است. وی مخالف به کار بردن لفظ سجع در قرآن است و به جای آن، تعبیر به فواصل انتهایی آیات می کند. وی مخالف با صرفه است (باقلانی، ۱۳۷۱ م: صص ۲۷ و ۴۱).

محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (۳۳۶-۴۱۳ ه. ق.) اعجاز القرآن؛ کتاب او اکنون مفقود شده و در دست رس نیست (رضایی اصفهانی، همان، ص ۳۲). او معتقد است اگر کسی نتواند مثل قرآن بیاورد، به علت فصاحت و بلاغت قرآن است (مکدر موت، ۱۳۸۴ ق: ص ۱۲۱). بنابراین او معتقد به صرفه نیست.

ابوالحسن عبدالجبار بن همدانی اسدآبادی (م ۴۱۵ ه.ق) جلد شانزدهم کتاب «المغنی فی ابواب التوحید والعدل»؛ جلد ۱۶ آن مربوط به مباحث علوم قرآنی و نیز مباحث اعجاز است. وی معتقد به اخبار غیبی به عنوان اعجاز در قرآن نیست (همدانی، ۱۹۶۵م: ج ۱۶، صص ۱۶۶ و ۱۹۷ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۳۱۶ و ۳۳۷).

علی بن حسین، سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ه.ق)؛ الموضح عن اعجاز القرآن؛ وی معتقد به صرفه است و در این کتاب، از صرفه دفاع کرده است و با دلایل، مخالفان آن را رد نموده است. می‌توان گفت این کتاب یکی از مهم‌ترین منابعی است که توانسته است دیدگاه‌های معتزلیان درباره اعجاز را جمع‌آوری نماید (قاسم‌پور، همان، ص ۸۹).

ابوبکر عبد القاهر بن عبد الرحمن بن محمد (۴۱۷ ه.ق):

الف. المتعضد (شرح کبیر بر اعجاز القرآن واسطی) در دست‌رس نیست؛

ب. شرح مختصر بر اعجاز واسطی؛

ج. الرسالی الشافعی فی الاعجاز القرآن؛ در ضمن کتاب ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن چاپ و منتشر شده است. تلاش جرجانی در این کتاب این بوده که تحدی قرآن را به اوج بلاغت، رصانت تعبیر و جزالت بیان مستند کند.

د. دلائل الاعجاز که با چاپ‌های متنوع و تحقیقات گوناگون منتشر شده و در دست‌رس قرار گرفته است.

ه. اسرار البلاغی؛ عده ای این کتاب را جزء کتاب‌های اعجاز نمی‌دانند ولی به علت بیان نکات بلاغی ۳۹ آیه در ۲۵ سوره جزء کتب اعجاز قرار گرفته است.

جرجانی را به علت نگارش این دو کتاب اخیر خود، بیان‌گذار دو علم معانی و بیان دانسته‌اند. او به وجود اعجاز در کلمات معتقد نیست بلکه از دیدگاه او این وجه اعجاز، ارتباط اسلوب موجود در میان واژگان است. وی هم‌چنین مخالف صرفه است (قاسم‌پور، همان، ص ۱۰۰).

همان‌طور که اشاره شد موضوع کتاب‌های این سده اغلب حول اعجاز فصاحت و بلاغت قرآن است و افراد دیدگاه جدیدتری نسبت به اعجاز ندارند و هم‌چنان عده‌ای اختلاف در نظریه صرفه دارند. اما به نظر می‌رسد با تلاش عبدالقاهر جرجانی در این دوران، اعجاز بلاغی با استواری و عمق بیش‌تری بررسی شده است.

صبحی صالح در این باره می‌نویسد:

«محققان پیشین در زمینه اعجاز قرآن، خودشان را به مسائل بسیاری سرگرم کرده‌اند که بسی دور از جو خالص هنری بوده است و در نتیجه شیفتگی و اصراری که به تبویب و تقسیم مطالب از خود نشان

داده‌اند، فرصتی برای درک ویژگی‌های کلی و مشترک اعجازی که در تصاویر و تعابیر کتاب خدا وجود دارد، باقی نگذاشته است، تصاویر و تعابیری که دل‌ها را از جا بر می‌کند» (صبحی صالح، ۱۳۹۰ق: ص ۴۵۲). ولی درباره عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: «او در ذوق اسلوب قرآنی کم‌نظیر است و چه بسا در بسیاری از اشارات موفقیت‌آمیز که در جهت درک زیبایی هنری کتاب خدا دارد، از عصر و دوران خود بسی جلوتر افتاده باشد» (همان، ص ۴۴۸).

۲-۴. دوران افول و ایستائی تدوین کتب اعجاز (قرون ۶-۹)

۲-۴-۱. قرن ششم: از نیمه دوم قرن پنجم تا اواخر قرن شش، ترکان سلجوقی روی کار آمدند و بر قلمرو خلافت شرقی تسلط یافتند و به کار دیالمه پایان دادند، سلاجقه برعکس دیالمه، شیعه مذهب، در تسنن تعصب می‌ورزیدند (شانه چی، ۱۳۸۹ش: ص ۲۱۷). مشهورترین کسانی که در این دوره به بحث و بررسی اعجاز پرداخته‌اند دو نفر از متکلمان بودند: غزالی، متفکری با نظریاتی در فلسفه و کلام و دیگری متکلم و مفسر صاحب نام معتزلی جارالله زمخشری است. قاضی عیاض و ابن عطیه و ابن رشد نیز از محققان و اندیش‌مندان هستند که در این زمینه اقوالی داشته (قاسم‌پور، همان، ص ۱۰۴).

از مهم‌ترین مدونات این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ابو الفضل عیاض بن موسی (قاضی عیاض) (۴۷۶-۵۴۴ ه. ق.) *الشفای بتعریف حقوق المصطفی*؛ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی موجود است و نعیم حمصی در تألیف کتاب خود از آن استفاده کرده است در بخش‌هایی به اعجاز پرداخته است (رضایی کرمانی، همان، ص ۴۴). او در حقیقت چیز تازه‌ای نیاورده است و می‌توان گفت رأی باقلانی را خلاصه کرده و این نکته را که حاوی جمیع علوم و معارف است، به آن افزوده است. او موافق صرفه نیز می‌باشد (حمصی، همان، ص ۹۲). زمخشری (متوفی ۵۳۸ ه. ق.) او نظریه اعجاز خود را در *تفسیر الکشاف* آورده است و رساله‌ای با عنوان *اعجاز القرآن فی سوره الکوثر* نوشته است (مهدوی‌راد، همان، ص ۷۱). وی قرآن را از دو راه معجزه می‌داند؛ یکی نظم و دیگری اخبار از غیب (صاوی جوینی، ۱۹۵۹م: ص ۲۱۶) او معتقد به حادث و مخلوق بودن قرآن است چرا که در غیر این صورت، تحدی به آن ممکن نخواهد بود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ص ۱).

کتاب‌های این سده نیز هم‌چون سده‌های قبل بیش‌تر بر اعجاز نظم و فصاحت قرآن تأکید دارند و صرفه هم، هم‌چنان مخالفان و موافقان خود را دارد در این قرن دیدگاه اعجاز معارف عالی قرآن نیز وجود دارد که نمی‌توان گفت در سده‌های قبلی نبوده است ولی می‌توان گفت با گذشت قرن‌ها و پیشرفت علوم، وجوه جدیدی از اعجاز قرآن کشف می‌شود.

۲-۴-۲. **قرن هفتم:** در این قرن مغول‌ها از صحرای چین رو به عراق آورده در سال ۶۵۶ هجری بغداد را گرفتند و خلیفه را کشتند، بازماندگان آل عباس از بغداد به مصر گریختند و در آن جا اسماً حکومت کردند (زیدان، ۱۳۷۲ق: ص ۷۴). تلاش‌های علمی و نگارش‌های علوم قرآنی، آهنگی کندتر به خود گرفت، تاخت و تازها و ویران‌گری‌های تاتارها و مغول در این قرن، بیش‌ترین ضربات را بر پیکر جهان اسلام به‌ویژه تمدن و فرهنگ آن وارد کرد، مساجد، کتابخانه‌ها، مدارس، همه و همه به آتش کشیده شدند (دیاری، همان، پیش‌گفتار).

از جمله مهم‌ترین تالیفات در این قرن، به شرح زیر می‌باشد:

ابو عبد الله محمد بن عمر، فخر رازی (۵۴۴-۵۶۶ ق.) *نهایی‌الایجاز فی درایی‌الاعجاز؛* تحقیق استادان زغلول سلام و محمد هراهره: اسکندریه مصر، منشای المعارف، ۵۱۳۹۴ ق. چاپ و منتشر شده است (رضایی کرمانی، همان، ص ۴۷). او به وجه فصاحت قرآن معتقد است و صرفه را نیز رد می‌کند (فخر رازی، ۱۹۸۴ م: ص ۷۸).

ابوالحسن حازم بن محمد بن حسن قرطاجنی (متوفی ۵۶۸۴ ق.)؛ *منهاج‌البلغاء و سراج‌الادباء* (مهدوی‌راد همان، ص ۱۰۳). حازم به یکی از براهین باقلانی درباره استمرار فصاحت در تمام اقسام قرآن که یکی از براهین باقلانی است معتقد است و فقط اندکی آن را بسط داده است (سیوطی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ص ۳۷۴).

ابو جعفر محمد بن محمد (متوفی ۵۶۷۲ ق.) (خواجه نصیرالدین طوسی) *تلخیص‌المحصل* که تعلیق بر کتاب *محصل‌افکار‌المتقدمین* فخر رازی است درباره اعجاز به وجه فصاحت و صرفه بیش از همه معتقد است و علاوه بر آن سیره پیامبر ﷺ را هم به عنوان یکی از وجوه اعجاز بر آن افزوده است (قاسم‌پور، همان، ص ۱۲).

۲-۴-۳. **قرن هشتم:** حسین علوی مهر درباره کاهش تدوین کتاب‌های تفسیری در سه قرن هفت و هشت و نه آورده است: به علت اوضاع نابسامان سیاسی خاص (حمله مغول‌ها به کشورهای اسلامی) و توجه دانش‌مندان مذهب به فقه و فقهات و تدوین کتب فقهی ارزنده بوده است (علوی مهر، ۱۳۸۹ش: ص ۲۶۶). شاید بتوان همین دلیل و تعبیر را برای علت کاهش کتب اعجاز نیز آورد. کمال‌الدین عبد الواحد بن عبد‌الکریم زملکانی (متوفی ۷۲۷ ه. ق.) ادیب و بلاغت‌شناس قرن هشتم از نظریه عبد القاهر جرجانی دفاع کرد و در واقع در همان مسیر گام نهاد. او صاحب کتاب *التبیان فی علم‌البیان‌المطلع علی اعجاز‌القرآن* است (قاسم‌پور، همان، ص ۱۲۲).

ابو اسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد جرزی خزر جی (۷۰۹ ه. ق.) *ایجاز‌البرهان فی اعجاز القرآن*، در دست‌رس نیست (رضایی کرمانی، همان، ص ۶۱).

یحی بن حمزی علی علوی (المؤید بالله، ۶۶۹-۵۷۴۵ ق.) الطراز المتضمن لاسرار البلاغی و علوم حقائق الاعجاز؛ تحقیق سید علی مرصفی، قاهره، سال ۱۳۳۲ ه. ق. (همان). این کتاب در مبحث وجه فصاحت و بلاغت قرآن است و به شدت از عبد القاهر جرجانی تاثیر گرفته است (معرفت، ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ص ۸۰).

ابو عبد الله محمد بن ابی بکر بن ایوب، ابن قیم جوزی (۶۹۱-۵۷۵۱ ق.) الفوائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان؛ تحقیق سید محمد بدر الدین نعسانی در مصر به سال ۱۳۲۷ (رضایی کرمانی، همان). غایت این کتاب اثبات بلاغت قرآن است تا با آن معجزه بودن قرآن را ثابت کند (قاسم پور، همان، ص ۱۲۹).

۲-۴-۴. قرن نهم: صبحی صالح می گوید: «در قرن نه تالیف و تحقیق در علوم قرآنی رواج یافت و در اواخر قرن نه به بعد تحقیق و تالیف در علوم قرآنی تقریباً متوقف شد» (صبحی صالح، ۱۳۹۰ ق: ص ۱۸۵).

از جمله مهم ترین کتاب های تدوین شده در این دوره به شرح زیر است:

ابو الخیر محمد بن محمد بن محمد (ابن جرزی، ۷۵۱-۵۸۳۳ ق.) اعجاز القرآن فی آبی یا ارض ابلعی (رضایی کرمانی، همان، ص ۶۲).

ابن خلدون (متوفی ۸۰۸ ق.) در مقدمه خود در تاریخ ابن خلدون معتقد به اعجاز بلاغی است (قاسم پور، همان، ص ۱۳۴).

مراکشی (زنده در سال ۸۳۷) شرح المصباح (همان: ص ۱۳۴). مراکشی تأکید خاصی در علم بیان به مثابه گذرگاه اصلی ورود به اعجاز و درک آن است (حمصی، همان، ص ۱۵۸).

۲-۵. دوران کاهش تدریجی تدوین کتب اعجاز

از قرن دهم تا ابتدای قرن چهاردهم اندیشه اعجاز نقطه عطف مهمی را پشت سر گذاشته و به گونه ای می توان گفت این اندیشه در فاصله این سده ها دچار نوع رکود و ایستایی شده است و اگر کتابی تدوین شده، به تأکید و تکرار کتب پیشینیان پرداخته است. در این میان بازهم نظم و فصاحت قرآن بود که بیشترین تأکید را از سوی عالمان این دوره به خود معطوف داشته است (قاسم پور، همان، ص ۱۳۹). در قرن یازدهم به دلیل تفکر اخباری گری، بیش تر کتب روایی نگاشته شد و در قرن دوازدهم نغمه تحریف قرآن شروع شد. (دیاری، همان) شاید پرداختن به این مسائل باعث شده که علما کم تر به بحث اعجاز قرآن بپردازند.

آقای مهدوی راد در این باره آورده است: در قرن سیزدهم پژوهش های علوم قرآنی بسی نحیف و بی برگ و بار است به ویژه در نیمه اول آن، از جمله موضوعاتی که در این قرن توجه عالمان را به

خود معطوف داشته است، مسئله حجیت و عدم حجیت ظواهر قرآن کریم است که از جمله پی آمده‌های ظهور و بروز سیطره فکری اخباری‌گری به حوزه اندیشه شیعه در حدود قرن ۱۰ و ۱۱ است (مهدوی‌راد، همان، ص ۲۱۳).

از جمله مهم‌ترین تألیفات این سده‌ها در ذیل آمده است:

عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۵۹۱۱ ق.) *معتبرک القرآن فی اعجاز القرآن*؛ تحقیق علی محمد بجاوی، قاهره، دار الفکر العربی، ۱۳۸۹ ق. (رضایی کرمانی، همان، ص ۶۶). سیوطی در کتاب خود از سی‌وپنج گونه اعجاز سخن به میان آورده است که شگفت‌انگیز است (مهدوی‌راد، همان، ص ۱۵۸). ولی با دقت در سخنان او، وی چیزی فراتر از این‌که اعجاز قرآن در نظم، ادبیات و بیان آن است، نگفته است (قاسم‌پور، همان، ص ۱۴۴).

شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا (۵۹۴۰ ق.) *اعجاز القرآن*؛ نسخه خطی آن موجود است (رضایی کرمانی، همان). وی در رساله *ابن کمال*، رساله پانزدهم، معتقد به صرفه است و از نظرا و اثبات اعجاز قرآن با اثبات خود اسلام در پیوند است و اشکال دور را نیز در این جا وارد نمی‌داند (حمصی، همان).

عبد العزیز بن عبد الواحد بن موسی مکناسی (۵۹۶۴ ق.) *نظم سور القرآن*؛ نسخه‌های خطی آن موجود است (رضایی کرمانی، همان، ص ۶۷).

عبدالله بن عمر بن محمد افیونی (۵۱۱۵۴ ق.) *زنی المثنائی فی حکم الاقتباس القرآنی*، در دسترس نیست (همان، ص ۶۸).

سید محمد حسن بن محمد تقی بن محمد سعید موسوی یزدی اصفهانی (۱۲۰۷-۵۱۲۶۳ ق.) *اعجاز القرآن مکتبی المبین اصفهان* (همان، ص ۶۹).

۲-۶. دوران گسترش تدوین کتب اعجاز علمی (سده ۵۱۴ ق.)

این قرن، قرن تحول و دگرگونی است، تحول در تمام ابعاد فکری و دگرگونی در همه سوی جامعه اسلام. در قرن ۱۴ پژوهش‌های سامان یافته در علوم اسلامی دیگرسان شده است، همه به لحاظ نگاهی که پژوهشی‌بان بر مسائل اسلامی داشته‌اند و منظری که از آن به مسائل و موضوعات اسلامی نگریسته‌اند، از این رو آثار تدوین یافته در این قرن، بسی پر برگ‌تر و پر بارتر است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴ ش: ص ۲۲۸). این قرن نقطه عطف مهمی در طرح اندیشه اعجاز قرآن به شمار می‌آید. مهم‌ترین تحول در ادامه دیدگاه‌های عالمان در این سده به موضوع اعجاز علمی متوجه می‌باشد. بی‌تردید گرایش به چنین دیدگاهی تحت تأثیر پیشرفت شگرف علوم تجربی در مغرب زمین تحقق یافته است (قاسم‌پور، همان، ص ۱۵۹).

با توجه به سیر تاریخی تفسیر علمی، به این نتیجه می‌رسیم که اعتقاد درباره اعجاز علمی قرآن، فقط مربوط به قرن‌های اخیر نمی‌باشد بلکه در هر عصری، منوط به پیشرفت علم در آن عصر به تفسیر مطابق آن علم، پرداخته می‌شد.

در کتاب درآمدی بر تاریخ تفسیر علمی در این باره آمده است، در عصر پیامبر ﷺ هنوز علوم طبیعی و تجربی رشد چندانی نکرده بود، و مقداری هم که در یونان و روم بود در دسترس مسلمانان نبود چون ترجمه نشده بود. ابوعلی سینا برخی آیات قرآن را با علوم طبیعی تفسیر کرده است چون عقیده داشت که قرآن رموزی دارد که از فهم مردم بالاتر است و فقط خواص مردم می‌توانند آن را درک کنند. وی آیه ۱۷ سوره حاقه را مطابق هیئت بطلمیوسی تفسیر کرده بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ ش؛ ص ۲۹۲). ابو حامد غزالی و شیخ طبرسی در قرن ۶، فخر رازی در قرن ۷ و زرکشی در قرن ۸، مجلسی در قرن ۱۲، و حاج ملاهادی سبزواری در قرن ۱۳، با مباحث علمی مرتبط با قرآن در کتاب‌های خود موافق بودند (همان، صص ۲۹۷-۳۲۴). هر کدام از این افراد برخی آیات را مطابق با علوم روز خود تفسیر می‌کردند، پس چون در قرن ۱۴ علوم در حد اعلایی پیشرفت داشت، به همین دلیل رویکرد اعجاز علمی بیش‌تر گشته است.

کتاب، کتاب‌شناسی اعجاز برای این سده، بالغ بر ۳۰۰ جلد کتاب عنوان کرده است که در ذیل برخی از آن‌ها را معرفی می‌نماییم:

آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن؛ جمال الدین حسین مهران، قاهره، مکتب الانجلو المصریه، ۱۹۹۲م (رضایی کرمانی، همان، ص ۷۲).

اسرار معجزی القرآن الکریم؛ عبد العظیم خطیب، چاپ اول، سوریه، دار العلم العربی، ۱۴۱۷.ق (در باره اعجاز عددی است) (همان، ص ۷).

اسلام وطب جدید؛ معجزات علمی، عبد العزیز اسماعیل پاشا، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۲۲.ش (همان، ص ۸۰).

الاعجاز البیانی للقرآن و مسائل ابن الارزق؛ عائشه بنت شاطی، مصر، دارالمعارف ۱۹۷۱م (همان، ص ۷۶). از نام کتابش مشخص است که معتقد به اعجاز بیانی است.

الاعجاز فی دراسات السابقین عبد الکریم الخطیب؛ چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵.ق. اعجاز الرقم ۱۹ فی القرآن؛ سبام نهاد جرار، بیروت، المؤسسی الاسلامی، ۱۴۱۴.ق.

النبوی والاعجاز القرآن فی القرآن والسنی؛ علاء الدین شمس الدین الگیلانی، بغداد، دارالکتب العلمیه، ۱۹۱۷.الاعجاز القرآنی، العجاز العلمی و الغیبی؛ محمد حسن هیتو، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرسالی ۱۴۰۹.ق (همان، ص ۱۳۷).

من علم الطب القرآنی عدنان شریف، چاپ پنجم، بیروت؛ ثقافیه، ۱۹۹۰م نویسنده تلاش نموده است با استفاده از آیات قرآن مجید در خصوص خلقت انسان و سیر تکامل جنین در رحم مادر، مسائل علمی را که امروز کشف شده است، بیان و با نشان دادن عکس‌های مختلف موضوع مطرح شده را اثبات نماید. آن چه در کتاب مطرح و در پی ثابت نمودن آن می‌باشد این است که موضوعاتی را بیان نماید که از نظر علمی ثابت شده باشد لذا کتاب خود را «الثبوت العلمی فی القرآن» نام نهاده است وی در پایان وظائف اعضاء و حواس پنج‌گانه را تشریح نموده است.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بحث درباره اعجاز قرآن هم‌زمان با نزول قرآن وجود داشته ولی به صورت علمی مدون از اواخر قرن سوم شروع شد، تدوین کتب در این دوره به علت هم‌زمانی با دوره ائمه معصومین علیهم‌السلام بیش‌تر شد، بحث غالب در این دوره فصاحت و بلاغت قرآن است.

به‌طور کلی سیر تاریخی تدوین کتب اعجاز را از اواخر سده سوم تا زمان معاصر می‌توان به چهار دوره عمده تقسیم کرد؛ اولین دوره که از قرن ۳ تا ۵ بوده به دوران گسترش و طلایی تدوین کتب اعجاز مشهور شد به طوری که نظریات اساسی در زمینه اعجاز در این عصر از سوی متکلمین و معتزله صورت گرفته و قرن چهارم، عصر شکوفایی علم و گسترش فرهنگ و تمدن نام نهاده شد. در این قرن انشعاب مذاهب و اختلاف آراء و کثرت برخورد اندیشه‌ها و برخورد میان فقها و صوفیان و ... جریان داشت. قرن پنجم به فراوانی متکلمین و نویسندگان در مسئله اعجاز شهرت یافته است، تا این دوره، دوره طلایی نامیده شود.

دوره دوم که از قرن ۶ تا ۹ بوده دوران افول و ایستائی تدوین کتب اعجاز می‌باشد در قرن ششم، کتاب‌های این قرن نیز هم چون قرن‌های قبل بیش‌تر بر اعجاز نظم و فصاحت قرآن تأکید دارند و نظریه صرفه هم، هم‌چنان مخالفان و موافقان خود را دارد در قرون هفت، هشت و نه، مغول‌ها از صحرای چین رو به عراق آورده در سال ۶۵۶ هجری بغداد را گرفتند که باعث شد تلاش‌های علمی و نگارش‌های علوم قرآنی، آهنگی کندتر به خود گرفت، تاخت و تازها و ویران‌گری‌های تاتارها و مغول در این قرون، بیش‌ترین ضربات را بر بیکر جهان اسلام به‌ویژه تمدن و فرهنگ آن وارد کرد، مساجد، کتابخانه‌ها، مدارس، همه و همه به آتش کشیده شدند.

دوره سوم، از قرن دهم تا ابتدای قرن چهاردهم، دوران کاهش تدریجی تدوین کتب اعجاز هست در این دوران؛ اندیشه اعجاز، نقطه عطف مهمی را پشت سر گذاشته و به‌گونه‌ای می‌توان گفت این اندیشه در فاصله این سده‌ها دچار نوعی رکود و ایستایی شده است.

دوره چهارم که از قرن چهاردهم تا به امروز ادامه داشته، دوران گسترش تدوین کتب اعجاز علمی محسوب می‌شود تا این قرن؛ گفتمان غالب، وجه فصاحت و بلاغت قرآن کریم بود و گاهی از دیگر وجوه دیگر اعجاز از جمله اخبار غیبی، معارف عالی، اعجاز علمی و ... سخن به میان می‌آمد. ولی این قرن نقطه عطف مهمی در طرح اندیشه اعجاز قرآن به شمار می‌آید. مهم‌ترین تحول در ادامه دیدگاه عالمان در این سده، به موضوع اعجاز علمی متوجه می‌باشد. بی‌تردید گرایش به چنین دیدگاهی تحت تأثیر پیشرفت شگرف علوم تجربی در مغرب زمین بوده است. پس ملاحظه می‌شود تدوین کتب اعجاز، فراز و فرودهای مختلفی را پشت سر گذاشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. ابن‌الدین، عبد‌الحسین، (۱۳۶۱ش)، *اعجاز قرآن و بلاغت محمد*، نشر بنیاد قرآن، تهران.
۲. ابن‌محمد خیاط، ابوالحسین عبد‌الرحیم، (۱۹۲۵م)، *الانتصار فی الرد علی بن‌راوندی الملحد*، به کوشش هنریک ساموئل نیبریک، قاهره.
۳. ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، نشر دار‌صادر، بیروت.
۴. ابن‌ندیم، (۱۳۶۶ش)، *الفهرست*، ترجمه/تحقیق: محمد رضا، تجدد، نشر امیرکبیر، تهران.
۵. اشعری، ابوالحسن، (۱۴۰۰م)، *مقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین*، ویسبادن، فرانس شتاینر، آلمان.
۶. باقلانی، محمد بن‌طیب، (۱۳۷۱م)، *اعجاز‌القرآن*، تحقیق: احمد، صقر، نشر دار‌المعارف، مصر.
۷. جاحظ، عمرو بن‌بحر، (۲۰۰۲م)، *رسائل‌الجاحظ*، نشر دار و مکتبی الهلال، بیروت.
۸. حسنی، علی‌اکبر، (۱۳۸۷ش)، *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام*، دفتر نشر اسلامی، تهران.
۹. حمصی، نعیم، (۱۴۰۰ق-الف)، *فکری‌الاعجاز من‌البعثی‌النبویظ الی عصرنا‌الحاضر*، نشر موسسه الرسالی، بیروت.
۱۰. -----، (بی‌تا)، *فکره‌اعجاز قرآن*، بیروت.
۱۱. خطابی، حمد بن‌محمد، (۱۹۶۸م)، *بیان‌اعجاز‌القرآن (چاپ شده در ضمن ثلاث رسائل فی‌اعجاز‌القرآن)*، تحقیق: محمد، خلف‌الله؛ محمد زغلول سلام، نشر دار‌المعارف، قاهره.
۱۲. خیاط معتزلی، عبد‌الرحیم بن‌محمد، (۱۴۱۳ق)، *الانتصار‌والرد علی ابن‌راوندی الملحد*، تحقیق: د. نیبرج، نشر مکتبی‌الدار‌العربی‌للکتاب، بیروت.
۱۳. دیاری، محمدتقی، (۱۳۸۷ش)، *درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی*، دانشگاه قم، قم.
۱۴. رافعی، مصطفی، (۱۴۲۱م)، *اعجاز‌القرآن و البلاغی‌النبوی*، نشر دار‌الکتب‌العلمی، بیروت.
۱۵. رضایی‌اصفهان‌ی، محمد علی، (۱۳۷۵ش)، *درآمدی بر تاریخ تفسیر علمی*، انتشارات اسوه، قم.
۱۶. رضایی‌کرمانی، محمد علی، (۱۳۹۰ش)، *کتاب‌شناسی اعجاز قرآن*، انتشارات اسلامی، قم.
۱۷. رمانی، علی بن‌عیسی، (۱۹۶۸م)، *النکت فی‌اعجاز‌القرآن (چاپ شده در ضمن ثلاث رسائل فی‌اعجاز‌القرآن)*، تحقیق: محمد خلف‌الله و محمد زغلول سلام، نشر دار‌المعارف، قاهره.
۱۸. زرکانی، عبد‌العظیم، (۱۴۱۷ق)، *مناهل‌العرفان*، تحقیق: فواز احمد، زمزلی، نشر دار‌الکتب‌العربی، بیروت.
۱۹. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقایق غوامض‌التنزیل*، نشر دار‌الکتب‌العربی، بیروت.
۲۰. زیدان، جرجی، (۱۳۷۲ش)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه: علی، جواهر کلام، نشر امیرکبیر، تهران.

۲۱. زیدان، جرجی، (۱۹۲۴م)، *تاریخ آداب اللغة العربیة*، نشر مطبعی الهلال.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۸ق)، *الاتقان*، تحقیق: محمد ابوالفضل، نشر ابراهیم، بیروت.
۲۳. شانه چی، مدیر، (۱۳۸۹ش)، *تاریخ فقه مذاهب اسلامی*، نشر بوستان کتاب، قم، چاپ اول.
۲۴. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۴ش)، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد بدران، نشر شریف رضی، قم.
۲۵. صالح، صبحی، (۱۳۹۰ش)، *مباحثی در علوم قرآن*، ترجمه: محمدعلی، لسانی فشارکی، نشر احسان، تهران.
۲۶. صاوی جوینی، مصطفی، (۱۹۵۹م)، *منهج الزمخشری فی تفسیر القرآن*، نشر دارالمعارف، مصر.
۲۷. طبری، علی بن ربیع، (۱۳۹۳ق)، *الدین والدولی فی اثبات نبوت النبی محمد*، تحقیق: عادل، نویهض، دارالآفاق الجدیدی، بیروت.
۲۸. علم الهدی (سید مرتضی)، علی بن حسین، (۱۳۸۳ش)، *الموضح عن جهی اعجاز القرآن*، تحقیق: محمدرضا، انصاری قمی، بنیاد پژوهش های آستان قدس، مشهد.
۲۹. علوی مهر، حسین، (۱۳۸۹ش)، *آشنایی با تاریخ تفسیر مفسران*، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم.
۳۰. علی پور، مهدی، (۱۳۸۷ش)، *درآمدی به تاریخ علم اصول*، جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۳۱. فخر رازی، (۱۹۸۵م)، *نهاییه الایجاز فی درایه الاعجاز*، نشر دارالعلم الملایین، بیروت.
۳۲. قاسم پور، محسن، (۱۳۹۰ش)، *اعجاز قرآن: تاریخ و تحلیل*، نشر هستی نما، تهران.
۳۳. کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۹۲ش)، *ریشه های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست*، پژوهش های قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ش ۸، ص ۱۱۳ تا ۱۴۴.
۳۴. مارتین، ریچارد، (۱۳۸۷ش)، *اعجاز قرآن، ترجمان وحی*، ترجمه: علی، آقایی، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ش ۲۴، صص ۷۰-۹۰.
۳۵. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۲ق)، *التهمید فی علوم القرآن*، جامعه مدرسی، قم.
۳۶. مکدر موت، مارتین، (۱۳۸۴ش)، *اندیشه های کلامی شیخ مفید*، ترجمه: احمد، آرام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۷. مهدوی راد، محمدعلی، (۱۳۸۴ش)، *سیرنگارش های علوم قرآنی*، نشر هستی نما، تهران.
۳۸. همدانی، عبدالجبار، (۱۹۶۵م)، *المغنی فی ابواب التوحید والعدل*، تحقیق: ک جرج فنواتی، نشر دارالمصری، قاهره.